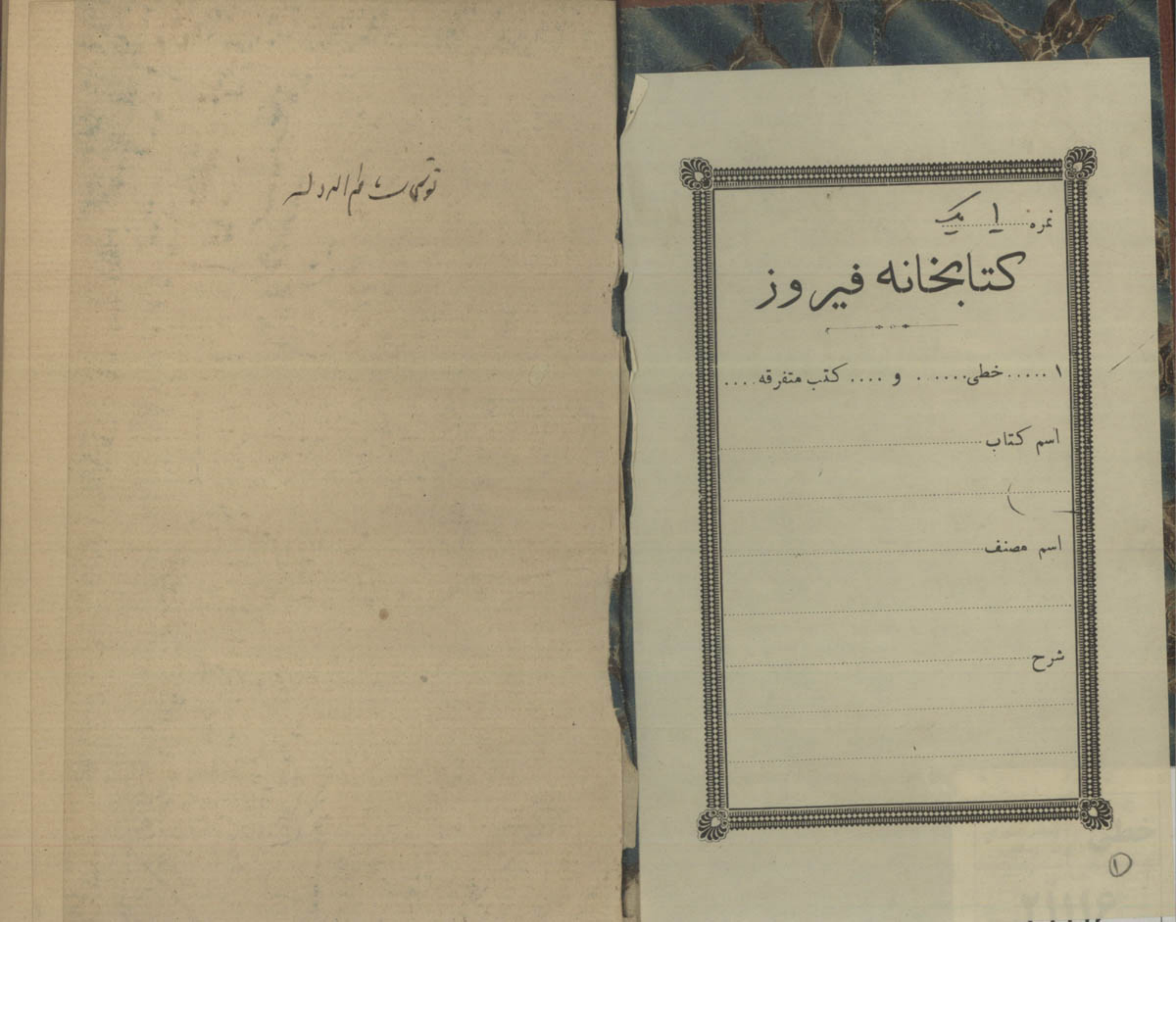

خطی
کتابخانهٔ
مجلس شورای
اسلامی
۲۱۱۱۶



تو سهات لم الدوله
نمره ۱ یک
کتابخانه فیروز
۱ ..... خطی ..... و .... کتب متفرقه ...
اسم کتاب
اسم مصنف
شرح
۱

قربانت شوم تحریرات دو کتابچه های جناب عالی را با کمال شوق و نهایت دقت مطالعه و تحقیق کرده‌ام و خیلی میل دارم مطابق آنها با زبان نکات فکری جناب عالی صحبت بدارم

این فقره راه انزلی و طهران از جمله کارهای بسیار معتبر است هم از برای دولت هم از برای عموم منافع زیاد خواهد داشت و جای بسی تاسف و زاری است که این کارها را سالها قبل شروع نکردند زیرا که چنانکه از فرمایش مبارک است منشاء فقر و ضعیف ما و جمیع خرابیهای گذشته و آینده ما از نداشتن راه است آن روزی که خلق و دولت ایران بفهمند معنی راه چیست قبر جمیع وزرای سابق را آتش خواهند زد که چرا اهمیت این کار را نفهمیدند و چرا ایران را از این روح زندگی محروم نگاه داشته اند

ساختن راههای ما هیچ اشکالی ندارد هم از خلق ایران و هم از اهل خارجه برای این کار پرمنافع بآسانی پول میتوان گرفت و از حسن اتفاق کار بدست آن اشخاص فاضل که باعتقاد فدوی امروز در ایران بهترین مجتهد این نوع امور هستند ذوق و عقل و تحصیلات و کفایت و حرص جناب عالی را در این قبیل کارهای ترقی خوب می‌شناسیم و از طرف دیگر می‌بینیم جناب مستطاب اجل اکرم امیر نظام که امروز بکلی صفات و خیالات با ایشان

و تجربیات عالیه خود رئیس اهل ترقی و از عشاق قدیم آبادی و در حقیقت از شهدای دولت پرستی این عهد است رئیس این طرح بزرگ و اقتضای با همه اینها سعادت بخت یقین دارم که اینکار مفید اینکار بسیار اینکار واجب عوض اینکه منشاء خیر شود یک عیب اصلی که خودتان هم خوب می‌بینید بیش از همه کارهای دیگر ما هم از برای شخص جناب عالی و هم از برای دیگران اسباب ضررهای تازه و موجب صدمات کلی خواهد شد

مقصودم از این عیب اصلی این حرف قدیم ماست که ما در ایران عقل نفس خود را با علوم دنیا مشتبه کرده‌ایم اسم غرور و جهالت خود را عقل گذاشته‌ایم و میخواهیم جمیع مسائل دنیا را بزور خیال عقل حل نمائیم و بهیچ طور نمیخواهیم باور بکنیم که قدرت علوم این ایام چه قدر از دایره عقل نفس ما بالاتر است وقتی میخواهیم راه آهن بسازیم یا مالیات را نظم بدهیم یا مشکلات خارجه را رفع نمائیم میگوئیم فلان نوکر صدیق و فلان آدم معقول و فلان شخص بزرگ عاقل هستند باید آنها را جمع کرد و این کارها را با آنها رجوع کرد در هیچیک از مجالس ما ابدا از علم هیچ اسمی بمیان نمی‌آید همه عقل است و عقل تا اسم عقلای ما خیلی و خیلی عقل دارند اما عقل ساده و عقل بی علم چطور می‌تواند

و در یکی دو کاغذ نوشته‌ام که اثبات علم این عهد را نحو نحو درک نماید سابقا در صفحات
درجهٔ آبادی دنیا طوری بود که ظاهر و لقای آن فقط بعضی وزرای ما میسر میشد
اما حالا اوضاع آبادی دنیا بحدی ترقی کرده و شرایط ترقی یک ملک چنان
وسیع و عمیق و دقیق شده که فهم ادنی مسائل ادارهٔ یک ملک اطلاعات سال
تحصیلی لازم دارد بجهت ساختن یک پل جمیع عقلای ایران را جمع بکنیم از عقل همه
آنها بقدر انگشت یک مهندس احمق فرنگ کار ساخته نخواهد شد چون روح
این مطلب بزرگ هنوز در ایران مجهول است چنین از بی ادبی است که فرق
علم و عقل را بهیچ وجه قبول نکرده اند چنین هنوز براین عقیده هستند که جمیع مقتضیات
این عهد را فقط بعضی شخص خودمستی انجام دهند یعنی باور دارند این خیال تازه یعنی
این طرح ساختن راه با همه ذوق و شوق و کفایت جناب اجل با همه همت و اهتمام
وزرا و با همه تأکیدات و احکام ها یی بجز ضررها و خطرها و تنخواهای نابحق هیچ نتیجه
نخواهد داشت چنانچه بنده با این نوع کارها بدون شراکت و معاونت برادرهای
خوارجه ممکن نخواهد بود در خود ممالک فرنگستان هم هیچ کمپانی نیست که منحصر
و محدود به تبعهٔ یک دولت مخصوصی باشد شرط حیات کمپانی است که ابواب
شراکت آن بر عامهٔ ناس باز باشد اگر چه بنده امید اجازهٔ شراکت خارجه از ظهور
زاده

نمی‌توانم بگویم که حرف قطعی زده باشند طرحی که فرستاده‌اند صحیح و کامل است
اما شکی ندارم که در طهران نتوانند در این نوع تولید قرار درستی بدهند
اولا لازمهٔ استقرار و شراکت خارجه را نخواهند داد ثانیا اگر هم فرضا یک طوری
راضی بشوند آنچه بی عیب و لازم است نخواهند داد و آنچه بی لزوم و مضر است از ما
تفهیم خواهند داد و بعد از دو روز پشیمان خواهند شد و همه را بعجله و بطورهای مضرتر
بهم خواهند زد البته تصدیق خواهند فرمود که این حرفها را از روی عدم تجربه
نمیگوییم در عرض و تشریح و اثبات وجوب این نوع خیالات آبادی مدت
سی چهل سال است هر قسم فداکاری لازمه که بر خود روا نداشته باشیم و اگر چه این عصر
اقدس شاهنشاه روحنا فداه عموم اهل این خیالات را خواه ناخواه در تصدیق
و قبول فرموده‌اند اما ملاحظه بفرمایید که عقلای ما این خیالات صحیح را بچه حالت
و در چه درجه‌های نامناسب بچه رنگهای معیوب و بچه تدابیر معکوس خواسته‌اند اجرا
نمایند بتوفیق اقرار میکردم که این خیالات تازه را ما با ایران آورده‌ایم حالا می‌بینیم
آن خیالات ما در دست عقلای ما سرچشمهٔ صد نوع خطر میشود و بعد از این هم
اسباب چه خرابیهای دیگر خواهد شد نمیخواهم اشتهار نمایم (اما که ما هرگز
صاحب آن خیالات نبوده‌ایم بنا بر این تحقیقات و همی تحریرات جناب اجل

و از تقویت و همراهی خواسته بودید با تأنی تلگرافاً جواب دادم که این کار
خیلی مشکل است و نخواهد شد. بلافاصله تحریرات دیگر عالی رسید دیدم علاقه
و تأکیدات زیاد سفیر ما به جناب مستطاب اجل اکرم امیر نظام هم مصدق و منتظر
اقدامات این صفحات هستند، با همه تأدیب نخواهم چون در این طرحهای آبادی همیشه
با خیال راحت بوده‌ام از روی یک شوق فردی و ترقی باز مشغول کار شدم و لابد امید
که وقتی یک کاری اقدام می‌کنم تا تعمق کار را تا همه جهت نسنجم آرام نمی‌گیرم
اول با وسائل لازمه رجوع کردم به مقامات عالیه و پس از حصول اطمینان از تقویت
معنوی با بعضی از رؤسای کار که بالاتر از آنها نیست چه در اینجا و چه در فرانسه
شفاهاً و محرمانه داخل مذاکرات شدم از جاهای بسیار معتبر تفاصیل و طرحها
و اطلاعات و وعده‌ها خیلی بهتر از انتظار جمع شد و حالا صراحتاً می‌نویسم که سرمایه
و شراکت و تقویت به درجه اعلی موجود و حاضر است اساس امتیاز نامه با آن
شرایط که مرقوم فرموده‌اید صحیح است همه آن فقرات را به ترتیب طوری ترتیب داد
که از برای دولت علیه کاملاً بی‌عیب و از برای محافظت منافع دولت
دولت ... مقبول ... فقط در این است که اولاً
دولت با چنان امتیاز و حق شراکت خارجه را خواهند داد یا نه اگر حضرت سفیر ما
چنین اجازه را داده‌اند و از تصدیق چنان امتیاز نامه تحاشی نمی‌نمایند

اما بنده باز می‌گویم قطعی مرقوم فرموده‌اید از برای اینکه در این مرحله تازه پا
گذارده‌اید قدم بیهوده نزنید خیلی محرمانه شخص شما می‌گویم که در طهران غالب این قبیل کارها
از دست رفته است ولکن شما از تفصیل آن در تبریز خبر ندارید مختصراً اینکه
در مقابل این نوع طرحهای شما و هر قبیل کارهای بزرگ یک سد عجیبی ساخته‌اند
که هیچ عقیده‌ای به تصور نمی‌شود و مادام آن سد عظیم باقی است این خیالات ترقی
لفظی باطل خواهد بود عقلای ملت در کوشش هستند که شاید آن سد را با تدبیر از میان
بردارند یا چنین نخ عقیده جهالت ... قدری برکنند و چنین این نوع امور
دولتی هزار جور فرعیات دارد که خیلی خارج از دایره آن قبیل عقول است
با نحوه مشکل نداریم که هر قدر سعی بکنند آن سد محکم‌تر خواهد شد در جای دیگر نمی‌توانم
بگویم در پیش دیگران نخواهم و در پیش جناب شما بدون خجالت می‌توانم بگویم که اگر از
طهران بیایم جمیع مشکلات مشمه را در هر روز رفع کردم تا هزار دیگر ممکن است
که طهران بروم و اگر هم فرضاً در طهران بیایم عقیده‌ای قطعی مجابی نمی‌شود
که بنده کال اقرانها زن روحی فداه دقیقه بعد از بعضی بنده عتبات فرمایند با ...
هیچ وجهی نمی‌فهمم که مشمه را و این طرح امتیاز را الکی ... امید دارم
که در همه این تحقیقات خود بکلی خطا کرده باشم و ان شاء الله بخت ایران ...

جنابعالی شما را در اجرای خیال خدمت بزرگی کاملا برحق خواهد کرد علی‌العجاله
بجهة تقویت مقصودات عالی با کمال اطمینان عرض می‌نویسم که اگر دقیقا امتیاز مطلوب را
با حق شراکت خارجه بدهند هر قدر سرمایه و شراکت خارجه بخواهند اسباب
آن را بجهة مقصودات آن فراهم و حاضر هستیم   ملکم

۶ شعبان ۱۳۰۶

قرائت نهم   تحریرات جنابعالی تا تاریخ ۱۳ رجب بمن رسید
با دقت تمام زیارت شد جواب مطالب را نمی‌توانستم و نمی‌توانم درست بنویسم
زیرا که همه منوط است به امتیازنامه‌ای که در طهران ممضی شده و هنوز از حقیقت آن
و هنوز از حقیقت و مقررات آن اطلاع قطعی ندارم   سواد اصل امتیازنامه‌ها را
مخلص زود بفرستید در این باب کار بهتر از همه وقت فراهم است جوابهای
صحیح را وقتی می‌نویسم که امتیازنامه صحیح را در دست داشته باشم علی‌العجاله اظهارات
ذیل را محض وقت عالی می‌نویسم مسئله معادنی که بجناب شما داده‌اند
بسیار مبهم است زیرا که در این باب حقوق بی‌اندازه به بارون رایتر داده شده
تا امتیازنامه‌ها در دست ما نباشد تطبیق این فقره مطلب معلوم نخواهد شد بارون رایتر
امتیازات مطالب مرقومه را چه داده‌اند بهتر از اشخاص مطلع دیگر خواهد دانست
خواهم نوشت

خواهم کرد بشرط اینکه اصل کارها را در طهران برای ما درست کرده
باشید برادر و خارج آن کارها آنطورها که در اینجا بنظر می‌رسد صحیح نیست خارج
مخلص بیشتر از اینها خواهد بود آن سرمایه که در ایران جمع کرده‌اید بعد از این
جمع نمی‌شود هیچ است از برای این قسم کارها سرمایه بدی هیچ وجه
کافی نخواهد بود دولت روس و فرانسه و انگلیس و عموم دول مجبور را
در این نوع کارها رجوع بسرمایه خارجه می‌کنند با سرمایه در دولت و جمهور
در هیچ ملک خیال اصلاح پیش نمی‌رود اگر واقعا کار بخواهند باید حکما رجوع بنمایند
بسرمایه‌های خارجه و بناچار خیال تمدن این اوقات رسم عامه دنیا است این کارها را قرار
خارج داشته باشند منافع کلی خواهند داشت و از برای تحصیل سرمایه‌های هیچ اشکالی
نیست مگر اینکه اصل کار را در طهران برای ما علاوه معمول دنیا برقراری و حل و ممضی فرمایید
قریب ده ماه قبل از این بکمپانی که مسافت بتبریز تلگراف شده که در اینجا
بصواب دید جنابعالی حرکت بکنند اگر سفارش دیگر لازم باشد
اشاره فرمایید

موکب همایون برای اخبار رسمی باید حالا در راه تبریز باشد این اوقات

بزرگواران طهران نسبت به من خیلی اظهار خصوصیت و محبت میفرمایند
من هم بصدق تمام حاضر شده‌ام که با ایشان خیلی خدمت بکنم و با آنکه خیلی
پیر و مأیوس شده‌ام باز خیال میکنم که بعضی خدمات از من میتوانم بکنم
دیگر از برای خودم هیچ تمنائی ندارم اجر خدمات خود را فقط در این
قرار میدهم که همه دوستان من محبت میکنند اگر ترقی [illegible] پایدار و ایشان [illegible]
خواهر آنکه در حق [illegible] سفارشات و تأکیدات زیاد خواهد شد
در این کارها امتیاز یک فقره است که خیلی سهل [illegible] میخواستم در این
باب مطلب را بسط بدهم امروز حالت ندارم انشاءالله هفته آینده
مفصلی خواهم نوشت چیزی که از حالا تأکید عرض میکنم این است
که [illegible] و بحرف آن مهندس یک قدم بر ندارید امتیاز
نامه‌ها را یعنی سواد آنها را زود بفرستید و منتظر اخبار آنها باشید
در این سی سال هر وقت خیال خود را از مشرق تا مغرب یا [illegible] دلها
که تصور یک وجود ممتاز قلب خود را خوش نمایم همیشه صورت جناب
مستطاب امیر نظام زودتر از همه در سلک اول در نظرم مجسم شده و در عمرم
هیچ موقع و هیچ حالتی خاطر ندارم که در خدمت و تمجید ارادت
ایشان

ایشان از فرط سهو یا کوتاهی شده باشد و دفعهٔ اول است که می‌شنوم و در تصور
ایشان امری واقع بوده است هرچه باشد قطعاً به اشتباه و اشتباه است یک
تقصیری که دارم این است که خدمت بندگان ایشان کمتر نوشته‌ام
عذر این تقصیر سوء حالی بهتر [illegible] نخواهد بود که [illegible] از خستگی و مأیوسی
و ناخوشی و تنفر [illegible] این روزها سر درد شدت دارد و امروز [illegible]
نشد عریضه خدمت ایشان عرض کنم انشاءالله هفته آینده مستقیماً که خواهم کرد
که چه خطرهای خیلی در حق بنده که راستی و ثبات [illegible] خود را اولین سرمایه سرور قلب
و سینه [illegible] قرار داده و روا داشته‌اند [illegible]
موافق همان طرح خواهم فرستاد [illegible] عرض بکنید [illegible] که حال که من
از خدمت ایشان [illegible] و محروم آرزو میکنم که [illegible]
روح من هستید از خدمت ایشان دیگر هیچ وقت جدا نشوید ۲ [illegible]
۱۴ شعبان [illegible]
قربانت شوم هفته پیش چند سطری عرض کرده‌ام [illegible]
امتیازنامهٔ راه را در روزنامه دولتی خوانده‌ام [illegible] صحیح است

و جمیع خوب پیش برود اما ظاهراً بعضی فقرات آنرا باید اصلاح کرد
و اصلاح آن در ایران هیچ اشکالی ندارد امروز نه فرصت دارم و نه حالت
انشاءالله هفته آینده چند فقره توضیحات خواهم نوشت که تکالیف
همه روشن شود مقدمات کار اینها در راه است و امیدوارم معاونت
با معنی با قرارات بشما برسانم بحرفهای ... های قانع بهیچ وجه
مطمئن نشوید اینکار جمیع خوب درست خواهد شد منتظر توضیحات ثانی
باشید

۱۲ شهر شعبان

فقره ششم (امتیازنامه راه را در روزنامه دولتی خواندم)

یک فقره عمده آن در آن روزنامه بکلی مجهول است صاحب این
امتیازنامه کیست حقوق این امتیازنامه مال کیست فرض کنید تاجر
بزازی هستم میخواهم بقدر هزار تومان صرف این راه بکنم این هزار تومان را
بکه بدهم اگر بگویند باید بفلان شخص بدهم فلان شخص چه ربط و چه حقی
در این امتیازنامه دارد از اسم فلان شخص هیچ اثری در این
امتیازنامه پیدا نیست میگوئید هزار تومان را بکمپانی بدهید
کدام

کدام کمپانی شاید در آن بین که در یک جمله تبریز یک کمپانی می‌سازند
در جمله دیگر کمپانی دیگر بسازند و هر چه کمپانی بخواهند راه را میسازند و این امتیاز
مال است کدام کمپانی صاحب امتیاز خواهد بود کیست که بگوید این امتیاز
مال فلان کمپانی است و کدام این حرف چه حقی بران امتیاز خواهد داشت
مختصرش این است که تمام این امتیاز یا در هوا است کمپانی که ساخته باشند
یا بعد از این باید زیرا هیچ حقی و هیچ ربطی باین امتیازنامه الآن بی صاحب است
باید در ابتدای امتیازنامه نوشته شود که اعلیحضرت شاهنشاه ایران بحکم این قرارنامه
دولتی امتیازات ذیل را عطا میفرمایند بفلان شخص یا بفلان اشخاص
باید اسم و رسم و مکان آن اشخاص تماماً و بالصراحت معین و مقید شود و بعد باید نوشت
اعلیحضرت شاهنشاهی بفلان اشخاص که صاحب این امتیاز هستند اذن و اختیار
و حق تمام میدهند که هر طور و هر چند کمپانی که مصلحت بدانند تشکیل بدهند
و حقوق این امتیازنامه را بان کمپانی یا بان کمپانیها منتقل نمایند
بحکم این فقره اصل آن اشخاص که صاحب امتیاز شدند جمع بشوند و یک کمپانی
ترتیب بدهند و این امتیازنامه را بآن کمپانی واگذار نمایند. بعد

آن کمپانی صاحب امتیاز بشود لازم کرده است که صاحبان امتیاز یک
کمپانی مخصوص تازه قرار بدهند ممکن است و مختار هستند که امتیاز خود را بهر کمپانی
خواه تازه و خواه کهنه منتقل نمایند یا بفروشند اما قبل از همه چیز باید شخص
بشود بحکم نحو قرارنامه که صاحب آن امتیاز کیست جناب مستطاب امیر نظام
یا جناب شما یا حضرت اقدس والا ولیعهد روحی فداه نیستند چند نفر باشند
این امتیاز نامه را ما از دولت گرفته‌ایم و الآن در دست ما است
و ما صاحب این امتیاز هستیم اینها اگر چه در بعضی محقق دارد اما اتفاق
و این کمپانی و امتیاز حرفهای واهی هستند باید بنحو قرارنامه طوری
که صاحب این امتیاز فلان اشخاص هستند و مختار که این امتیاز نامه را
با نظر شخص و تعیین نشود امتیاز هیچ معنی نخواهد داشت مطلب را خواستم
مختصر بکنم هم زیاد طولانی شد و هم می‌ترسم باز مبهم بماند باری اول
صاحب امتیاز را شخص معین نماید بعد از آن شخص کمپانی هم در هر ملک
بعضی شرایط لازم در دارد که اگر یک از این شرایط ناقص باشد هیچ کس با آن
کمپانی یکی اعتبار نمیدهد در فقرات دیگر نمیتوانم حالا حرف زنم
زیرا که مطلب درهم و مغشوش خواهد شد

در بعضی

در بعضی فقرات دیگران امتیاز نامه لازم است چند کلمه بنویسم اصلاح
این فقرات در اینجا سهل خواهد بود زیرا که اصول همان است که عرض شده
حالا باید آن اصول را بصورت شرعی کمپانیها درآورد باز هم عرض می‌کنم
قبل از همه چیز صاحبان امتیاز را موافق قانون معین کرد یعنی یکی
یک فقره که در نحو قرارنامه مندرج باشد بمن نشان بدهید ملاحظه
بفرمایید که مسئله‌ها اشتباه سابق است ما از فرنگیها شنیده‌ایم با حرف عادی قانع نمیشویم
اما این ترتیبات حاصل علم مجمعه دنیاست و بدبختانه با عقب بودن زیاد علم ما در این
مسائل کافی نیست خیال داشتم چند صفحه دیگر به یک فقره دیگر بنویسم
فرصت ندارم انشاءالله هفته آتیه تفصیل و خبر بعضی خواهم فرستاد
انشاءالله در پاکت سابق بنده پاکت جناب مستطاب امیر نظام رسیده
حرفهای زیاد قلمها و دلها خسته با وصف این نباید تا این شد انکار راه را ببست جانی
خواهم رسانید

فقره ۵

فقرات ششم

سه پاکت پی در پی فرستاده‌ام که البته تا امروز در نظر عالی رسیده

حال میخواهم در باب یک اشتباهی که مدتها مایه معطلی ما بوده چند کلمه حرف بزنم
اگر دولت علیه برای فلان راه یا فلان معدن یک امتیازی بدهد که حقیقةً
سالی یک کرور منفعت خالص داشته باشد آن امتیاز را در فرنگستان
یک پول نخواهند خرید چرا بعلت اینکه هر کس که مشتری شراکت
باشد اول خواهد پرسید از کجا میدانید که این یک کرور منفعت واقعاً
حاصل خواهد شد جواب ما چه خواهد بود خواهیم گفت ما حکام معقول هستیم دروغ
نمیگوئیم و ما نقیض داریم و همه خلق ایران هم میدانند که این یک کرور منفعت صحیح
و موجود است ما هر قدر مؤمن و صادق باشیم و هر قدر هم قسم بخوریم حرف ما در بازار
فرنگستان هیچ معنی نخواهد داشت اگر کل سفرای ما تصدیق بکنند باز هیچکس
قبول نخواهد کرد اگر کل سفرای خارجه هم قسم بخورند باز هیچکس اعتنائی نخواهد کرد
اگر وزرای ما هزار شهادت بدهند و اگر صدراعظم انگلیس هم بجنبد قسم بخورد
که ما راست میگوئیم باز احدی بحرف همه اینها یک دینار نخواهد داد چرا بعلت اینکه
در این نوع کارها نه حرف [illegible] نه حرف آشنا نه قول هیچ سفیر
نه تصدیق هیچ صدراعظم و نه شهادت هیچ مجتهد هرگز سند نخواهد بود در مسائلی که [illegible]

علوم

علوم و صنایع و تجربه و مهارت مخصوص لازم دارد و تصدیق اشخاصی که خارج
از دایره آن فنون هستند در نظر هیچ طفل فرنگی اصلاً اعتبار و معنی نخواهد داشت
تحقیق و تصدیق این قسم مسائل حکماً باید بسته باعتبار مهندس معروف باشد
خبط اولیای دولت در این نوع مطالب این بود که اولاً خود را محتاج بتصدیق نمیدانند
ثانیاً وقتی هم راضی میشوند که اسم یک مهندسی بمیان بیاید خیال میکنند هر مهندسی
از برای اجرای مقصود کافی خواهد بود خطاست از برای اینکه حکم و قول یک
مهندس پول ندارد باید آن مهندس خیلی اعتبار داشته باشد در فرنگستان مهندس
خوب خیلی زیاد است اما مهندسی که قولش سند باشد و بتواند محرک و بانی یک
عمل کمپانی تازه بشود مثل اطبای مشهور و نقاشهای معروف و (آوکاهای) بزرگ avocat
خیلی معدود هستند و قول آنها بقیمت طلا خریده میشود مثلاً اگر ما از این مهندسین
[illegible] که فلان راه یا فلان معدن را
تحقیق کند و تصدیق بکنند که فلان منفعت معین حاصل خواهد شد امتیاز آن معدن را
با کمپانی اعتبار آن مهندس از دولت به هر کس بخواهند برد
بدیهی است که این نوع مهندسین معتبر از برای یک فقره [illegible] شهرت و عمر و مقام

مشهورا در ممالک بعیده ضایع نخواهند کرد دولتی که میخواهند برای امتیازات

ملک خود را آباد کنند قبل از آنکه حرف امتیاز بمیان بیاورند میروند و بهر همتی

که میسر شود چند نفر مهندس مشهور را اجیر و مأمور برآورد امور می‌کنند بعد از

آنکه آن مهندسین تحقیق و تصدیق نمودند و از روی نقشه‌ها و حسابهای صحیح خود

ثابت کردند که فلان امتیاز فلان قدر منفعت خواهد داشت آن وقت

از برای آن امتیاز با هزاران منافع مقصوده آن شرکتها و کمپانیها جمع میشوند

دولت ایران نخواست یک بار از برای برآورد این نوع طرحهای تازه

مایه بگذارد منتظر نشست که از خارج پا بنهند ممالک ایران را کشف نمایند

و آن وقت اگر میل کنند امتیاز ببرند و الا خیر این توقع از اولیای دولت

ولی منتهای جهالت بود بازار فرنگستان پر است از امتیازات کمپانی حال

که همه بر درستی برآورد و تحقیق شده و الان مستعد اجرا هستند صرافان و کمپانیهای

فرنگستان چرا این کارهای حاضر و نقد را گذارده بروند در ممالک بعیده زحمات

و مخارج زیاد در گوشه و کنار بعضی ملک کار دیگر به ابشند که امتیازات آن هم معلوم نیست

که مال که خواهد از اولیای دولت دقیقه خیلی همت و تدبیر می‌کنند میکنند تا

بدهم

پایه کار را در همه است یک نفر یا دو نفر مهندس که محل اعتبار کمپانیها و صرافان ها

باشند همین روز با خیال دارم از تبریز بفرستم با دستورالعملی و هدایت صاف اطلاعات شغلی

کشف و برآورد و معین نمایند یک دینار برای دولت و برای صرافان و کمپانیها ضرر نخواهد داشت آورد

اگر عمل به معنی نشود بالغ نخواهم و دوستان آنجا ضرر زده‌ام واگر انشاءالله کارها عمل شد

بر دوستان انجا و خلق ایران خدمت شایسته کرده‌ام

هنوز کار تمام نیست منتظر جوابهای صاحبان کمپانیها هستم و انشاءالله از بنده راضی خواهند شد

نمره ۶

فرمایش شده — البته از چهار پنج کتابچه سابق که در باب آن امتیازات

فرستاده‌ام این معنی درست شد که شرط عمده پیشرفت کار این است که یک نفر مهندس

معتبر از روی علم و شروط با تصدیق ثابت کند که فلان کار بعد از فلان مخارج فلان قدر

منفعت خواهد داشت و چنانچه نوشته‌ام و خوب به یاد آوردن صاحبان مهندسین احتیاج

اعتماد کمپانیها با شرط بیع ممکن است و مخارج آن فوق همتهای ایران است

خدمتی که بجناب عالی و عموم کرده‌ام این است که این ممکن اولی و اولین سد

عمده را بطور کلی رفع کنم دیروز یک نفر مهندس معتبر را روانه تبریز کردم

اسم او موسیو ... است و در پاریس ده سال زنده دارد و حقوق خواهد داشت مأموریت اولیای است

که برافق میل حضرات و برطبق شروط دستخطهای ما به این جا ظاهر و باطن خارج
و منافع آن امتیازات را که در دست دارند تحقیق و برآورد نماید این مهندس سه
چهار نفر از دوستان و متفقان مخارج خود سفر نموده و یک دینار از دولت علیه و خیال ما گو
حق مطالبه نخواهد داشت و اگر هیچ کاری پیش نرود باز هیچ طلب و ادعائی از اولیای ما
نخواهد داشت دستورالعملی اولی این است که مهندس معتمد باید تبریز و نزدیک نفت خیز جناب
مستطاب اجل اکرم امیر نظام و جناب شما باشد با هیچکس کاری در آنجا نخواهد داشت
الا با آن دو جناب هر دستورالعمل که به ایشان بهتر از هر کس دولت علیه اطاعت نخواهد کرد
مخارج نقشه در طبق میل و دستورالعمل شما از جلفا تا تبریز و از سرحد عثمانی تا قزوین جمیع راهها
و جنگلها و درهها و غارها و معادن و آنچه را که شما مصلحت بدانید تحقیق و تفصیل آن را
بموجب نقشه و حساب بهای صحیح برآورد خواهد کرد دیگر چه میخواهید اگر دولت علیه
با آن کمپانیهای شما فرضا سی چهل هزار تومان خرج میکردند که از فرنگستان
مهندس بیاورند باز باین خوبی نمیشد زیرا که ممکن بود که آن مهندس نفت طلب و معتمد
روسای کار است اگر لازم باشد مهندس دیگر هم باز جدا خواهم فرستاد کلمات
مطالب این است که اولا عمدا مهندس انگلیسی نفرستادم که نگویند میخواهیم
انگلیسها پای انگلیس را بیاوریم تا بنا سر کارها هیچ کمپانی نیست که بهتر از اینها [illegible]

مثلا

شرکای کمپانی اینها از هر طایفه که بخواهید قرار خواهم داد انگلیسی فرانسه روس
آلمانی و کمپانی شما [illegible] شرکا را راضی بالقصه یک دسته میشوند آن وقت ما هم البته
امتیاز را بشما میدهیم کمپانیها و صاحبان مایه سنجیده و دیگری نیند بسیار خوب هرگاه
ما ده بیست هزار تومان خرج برآورد بکنیم و ببینیم کار هیچ منفعت نخواهد داشت ضرر آن
بر عهدهٔ که خواهد بود و اگر پس از کشف و تحقیقات معلوم شود که آن کار خیلی
منفعت خواهد داشت دولت در عطای امتیاز آن کارها بشما یا دیگران اصرار در دادن امتیاز را
نه هر ما چه خواهیم کرد شاید اولیای دولت علیه بگویند ما امتیاز آن کار را از حالا
بشما که کمپانی هستید میدهیم این هم حرف بی معنی است زیرا که ما اگر
آن کار هنوز کشف نشده یعنی قیمت آن در میان نیست از برای دولت یا کمپانی
[illegible] بی [illegible] مطلب را از هر طرف که ملاحظه بفرمایید
خواهید دید که از برای آن نوع کارها باید اول خود دولت علیه مخارج برآورد را
بر عهدهٔ خود بگیرد و انکار را اولیای دولت هرگز نخواهند کرد که فایده
برای مقصود نداشته باشد و حقیقه اولیای دولت آن قدرت را ندارند که بتوانند
متحمل این قبیل مخارج بشوند رفتی دفعه نه در باب این امتیاز [illegible]
نقض و تحریر از اولیای این دولت راهنمای و تقویت [illegible]

تحقیقات کافی مرا رجوع کنند به اشخاصی که رئیس و مجتهد این نوع کارها هستند
حضرات هم بعد از مذاکرات با بعضی لندنی‌ها بر سر مسئله کشف و برآورد که باید خارج
آن از نقشه‌جات عمده بر عهده بگیرد بعضی مهندسین جمع شدند و از روی نقشه‌ها و اطلاعات
و حسابهای سابق گفتند خرج مهندسین از برای فقط برآورد میشود بیست هزار لیره)
معلوم است این حرف را در ایران بچه طور خواهند شنید و این حرف بر اتفاق صحیحی
اینجا بنظر خیلی سالم و طبیعی می‌آید. از برای نمونه این حرفها عرض میکنم که کمپانی
(خلیج پاناما) که در تنگی دنیا قطع میکنند این روزها در دست است و حالا آن شعبه
ناقص را یک کمپانی تازه میخواهد بخرد و از برای برآورد عملیات آن خلیج که از ده سال
قبل خرج معین کرده‌اند زیرا که کمپانی تازه از حقیقت کارها درست مطمئن
نشود یک پول نخواهد داد و از برای اطمینان این کمپانی تصدیق مهندسین معروف
لازم است و مهندسین معروف هم وقت و کار و علم و اعضای خود را کمتر از این
پیشنهادها نمیفروشند. این فقره با هزار مثال دیگر که جنابعالی بهتر از فدوی میدانید
اهمیت برآورد و وجوب مهندسین معتبر را باید در نظر داشته مجسم نگاه بدارد
زیرا که اغلب معطلی‌ها و ضررها در کارهای ما حاصل از این فقره بوده که ما از این
خارج حتمی که فرنگیها خارج مقرر میگویند بیخبر و گرفتار بوده‌ایم. خلاصه
بحث مطلب خیلی عمده است و میترسم که غافل از آن مطلب اصلی را تمام کنم

داخ

داخلی طرحهای با پای اغراق زحمات عالی لشکر بیان مطلب را برخلاف
سیاقه نحو خیلی شرح و بسط داده‌ام مطلب مفهوم شد. لاچه باید کرد باید ناامید شد
و باید کار را پیش برد. هر طور جواب نشد علی العالم باصرف نقض بهار اسلوب
و بهترین وضع که بخواهد انتظار خواهم کرد. بقول مرحوم میرزا آقاخان عقب هیچ کار بود
بهتر از این درست نمیگردد. هیچ خارج هیچ زحمت و هیچ مسئولیت ندارند و اگر وافی
امتیازات شما منفعت دارد و منافع آن را در دست شما خواهد ماند و یکی
همه این منافع الان شبیه به یک خبر است و آن این است که این مهندس مصدق
این منافع باشد باید دستورالعمل داده شود که حقیقت کار و ورای آنها را با صحت بروز دهد
راپورتهای او محقق خواهد بود. تکلیف دستورالعمل و نیز حالا ورود یک کار باید در این
باشد که این مهندس را وادار به اینکه راپورت مساعدی بنویسد دیگر در این باب
چه باید نوشت لازم نیست که من دستورالعمل برایم از دولت باید از اوراق مهمه معطل
دیگر کار نگذارید و این نکته را باید در نظر داشته باشند که اگر او قضا بر تحدید
و جزئیات او دست به پنبه اگر هم اصل کار خوب باشد رنجش شخصی او در شروع راپورتها
خالی از نتایج نخواهد بود. باید او را راضی و خوشدل و امیدوار نگاه داشت
اگرچه او حق مطالبه هیچ چیز ندارد لااقل او را اطمینان دارید که خودش بی تنزل و زوال بیابد

وقت و حواس او همه صرف این گرفتاریها خواهد بود و از این نوع گرفتاریهای
بیمزه که لازمهٔ زندگانی ایران است بقدری خسته و متنفر خواهد شد که از وقت
مسافرت بالطبع اکراه خواهد داشت و در جلوی مأموریت خود سرهم بندی و تندی
رنجش خواهد کرد باید بقدر امکان تکالیف او را چه در حضر و چه در سفر سهل کرد
مثلا باید اولا از برای چند روز یک منزل را یک یا دو دلو و دیگر آنکه از اول
یک مترجمی هم از برای او پیدا کنیم ما اقلا هستیم از آن جوانان که باصطلاح ما
مترجم و مهندس شده‌اند البته در تبریز جمعی هستند که موجب سنگینی هر و هیچ کاری از آنها
نمی‌آید از آنها مترجم و معاون این مهندس قرار بدهیم که هم مأموریت این شخص را
تسهیل کنند و هم خودشان علم مهندسی یاد بگیرند و علاوه عوض یک نفر هر قدر بتوانیم
شاگرد مهندس برای او جمع نمائیم زیرا که معلمی این شخص از علم مهندسی برای آنها
بهترین مدرسه خواهد بود ولیکن باید بخصوص مراقب شد که این مترجم و شاگرد مهندس
موافق عادات ما تصور نکنند که این فرنگی یک سفیر است که برای داد و دانش
با ایران آمده و از روی این اعتقاد او را با تملقات و مخارج بیجا تلف میکنند
و دیگر آنکه این مهندس وقتی بخواهد معطل بماند که چه بکند و هیچ یاد ندارد

داده‌ام

داده‌ام که برادرم راهها را از همان جلفا شروع نماید از برای آنکه وقت
ضایع نشود خوبست خیلی زود مترجم با شاگرد مهندس را روانهٔ جلفا نمائیم
که بمحض ورود مهندس فرنگی تا پیش روی او بنشیند و راه را از جلفا تا تبریز نقشه
بردارد و سفر و جای مأموریت او را بقدر قوه سهل کنند این مهندس در جلفا
موافق دستورالعملی که خواهد رفت پیش رئیس تلگرافخانه یا رئیس گمرکخانه آنجا
که به بینند از جانب ما چه دستورالعملی رسیده و چه باید بکنند لهذا هر قدر زود ممکن است تنبیه نمائید
همین امروز با تلگراف بروسای جلفا خبر بدهید که چنین مهندس فرنگی از آنجا بسمت
تبریز خواهد رسید هر وقت رسید فلان طور بکنید و فلان طور نکنید و بمقصدی نوشتیم
مقصود اگر حالا در فرنگستان و جمیع لوازم پیشرفت را فراهم خواهیم آورد
در باب یکپارچه پسرها و شراکت و خرید و فروش الهام و منافع علمی بهیچوجه با این
مهندس حرف نزنند زیرا که این مطالب بهیچ وجه ربطی با وی ندارد
و هر چه باو از این مقوله بگویند هیچ اثر فایده نخواهد داشت مگر معطلی کار ما
کار و مأموریت این مهندس منحصر باین است که راپورت علمی از راه و رای ...
نقشه بفرستد اگر راپورت او زود و بطور مسطور برسد آن وقت هر قدر مهندس

و شریک و سرمایه و مشتری نخواهید لازم است شما حاضر خواهم کرد پس قبل از
همه چیز سعی و تدبیر پر زحمت بفرمایید که این نوکر مفت شما خیلی زحمت را [illegible]
بفرستند
جوابهای چند مرتبه پاکت من هنوز از طرف جنابعالی نرسیده است آن عیب اصلی
استیناف یعنی نبودن اسم صاحب امتیاز را البته رفع فرموده منتظر هستم که به چه
چه کرده‌اند اگر هنوز درست نشده بر سر راه نشان خواهند داد که با آسانی و بدون
احتیاج به اجلاسیه مجدد دولتی مقصود حاصل شود چنانچه هم زحمات ما
و اقدامات ... ما بسته به این کاغذ است الآن قبل از همه چیز کلمه تلگراف
بفرمایید با این سفارت که پاکت نمره ۲۲ رسید زیرا که اگر خدای نخواسته
این پاکت بجای عالی نرسد مهندسها در جلفا معطل خواهند ماند و حالت
فرنگیها را باید ایشان از اینجا متعذراً برگردند منتظر تلگراف جنابعالی هستم (۱)

نقشه ۲

فهرست نقشه این نقشه که این نوشته را می‌آورد آن مهندسان
که وعده کرده بودم تبریز بفرستم
آنهم رسید جوهر گرد مردان معقول معتبر و حتی‌الامکان کمپانیهای فرانسه
داخلی [illegible]

و انگلیس است مأموریت او این است که راه خوی و تبریز و جلفا و اردبیل
و همچنین معادن و جنگلها و آنچه متعلق با امتیاز است که کمپانیهای داخله داده شد
همه را تحقیق و مخارج و منافع آنها را موافق شرایط و علوم فرنگستان برآورد نماید
موافق قراری که در اینجا داده‌ام این مهندس بعضی ورقه‌های نقشه ممالک ایران
شریک نوکر ایرانی تابع اوامر بندگان جناب مستطاب امیرنظام و جنابعالی
خواهد بود از دولت علیه و از کارگزاران آنجا و از احدی حق یک
دینار مطالبه نخواهد داشت و در تحت اختیار جنابعالی نوکر مفت و از هر جهت
تابع نقشه شما خواهد بود اگر لازم است بعضی ورقه‌های ممالک ایران و دستور العمل روشن
با او خواهید داد که برآورد کار و اجرای مأموریت خود را در کمال دقت و تفصیل شروع
نماید فروعات و لوازم پیشرفت کار را در باب علمیه هست اینجا بفرستید
خواهم فرستاد که قبل از ورود این نقشه به نظر عالی رسیده باشد اگر این مهندس نوکر
مفت جناب مستطاب اجل اکرم امیرنظام و جنابعالی است و حق مطالبه هیچ
و اجرت ندارد اما چون مقصود مأموریت او یک خدمت بزرگی است
که منافع آن عاید دولت و خلق ایران خواهد بود و رعایت احوال چنان شخص
غریب و معقول پربصیرت بر همه لازم و واجب است لهذا جای تردید

امیر نظام و جناب مستطاب مجتهد و چند نفر از معتبرین ترکیش واقع
شوند یعنی عدد سهام را تمام نخرند و هر قدر بخواهد که متفق شوند به امید
بعد هر کس سهم خود را نخواهد نگاه بدارد بایستی به کمپانی [illegible]
مشتری را من پیدا خواهم کرد بشرط اینکه عمل استقرار کمپانی تأسیسات
و عمل عطای امتیازات تبریز مال کمپانی تأسیسات درست
و منضبط شود و نیز بشرط اینکه راپورت آن مهندس نقوی مقصود
بشود باید شراکت نامه و تصدیق نامه کمپانی تأسیسات و تفصیل
آن امتیازات چه در معنی و در ظاهر خیلی واضح و درست باشد
حتی کاغذ و خط و عبارات و صورت ظاهری این سندات
باید خیلی شایسته و رنگین باشد که لفظها در آن نباشد
باید این عمل یعنی تصدیق استقرار کمپانی تأسیسات و تصدیق
آن امتیازات و اعطای آنها به کمپانی در یک مجلس تمام شود
ولیکن چنانچه عرض کرده‌ام باید خیلی دقت کرد که تاریخ استقرار

کمپانی اقلاً چند روز پیشتر از عطای امتیازات باشد بهمان دلیلی که
بیان شد باری یا باید ترک همه این حرفها را کرد یا باید در همین تاریخ روز
کمپانی تأسیسات و عطای آن امتیازات تبریز را به آن کمپانی
موافق قاعده تمام و منضبط نمائید این مطلب را صد بار مکرر گفته‌ام
زیرا که اصل اصول همین مطلب است انشاءالله آن دفعه که کمپانی
تأسیسات و عطای امتیازات برقرار و قطع شد به شما تلگراف
خواهم فرمود که بدانم چه بکنیم سابقاً یک دو دفعه نوشته که این
کار کمپانی تبریز را با راپرت تمام بکنم فرصت نشد جواب این خیال
خیالات را بنویسم حالا بگویم ضرورت صرافت و محرمانه نیست
که این راپرت بیهوده نیست و درو علوم مستقلات است چنین بنای عمل او
به درستی و صداقت نیست اما چاره مشکلات و خراب خواهد کار دیگران
با و ربط به هم آن هم خراب خواهد شد حالا برای این در ارد دستها با او
سخت مخالفت دارند و نتیجه مخالفت آنها را شما بهتر میدانید پس بنابراین
باید خیلی سعی و اهتمام نمائید که این عمل کمپانی تبریز بطوری
مثل این از دایره راپرت دور و بی ربط نگاه بداریم و هیچ وجه

نفوذ یک اسم او زوید و همه جا جایز نیست که اینها هیچ ربطی باو
ندارد و بلکه مخالف عمل اوست انشاءالله مطلب را خوب فهمیده
و درست مفهوم فرمائید

۷ صفر ۱۳۰۷

فقرات شوم — پاکت نمره ۴۶ ذیحجه جنابعالی از
لندن بپاریس رسید زیاد متأثر شدم زیرا که از روی کاغذ ناس
هر قوم فریاد میکنند که عمده فقره پول است و اهالی هم حق
دارند که پول نمیدهند اولاً پول ندارند ثانیاً بحکم اسلامیان. هند
این فقره پول را هم آسان میکنیم قرار بدهید که آن هفت نفر که رئیس کمپانی
باشند تا شعبات میشوند هر کدامی هر قدر سهم که بخرند از برای هر سهم فقط
یک قران یا دو قران بدهند باین شرط که هر وقت کمپانی قیمت اسهام را
مطالبه نماید اگر مشتری آن اسهام بحواله را فی الفور ندهد آن مبلغی
یعنی آن یک قرانی که برای هر سهم داده مال کمپانی بشود و کمپانی حق داشته
باشد که آن اسهامی که قیمت آنها داده نشده بفروشد یا ضبط بکند
مثلاً فلان تاجر صد سهم قبول میکند و از برای هر سهم یک قران

میدهد بعد از یک ماه یا یک سال اگر کمپانی تمام قیمت را بخواهد و آن تاجر
نخواهد یا نتواند بدهد کمپانی آن سهم را ضبط میکند و منتهای ضرر آن
تاجر فقط ده قران خواهد بود و شکی نیست که در تمام ایران میتوان
هفت نفر پیدا کرد که باین فواید کلی اسهام چنان ضرر جزئی را
تحمل قبول نمایند و اگر واقعاً در تبریز هفت نفر آدم تحمل نمیکنند
که کار بچنان معامله باشد پس دیگر در چنین قبرستان امید حیات
کفر خواهد بود لازم نکرده است که این تفصیل را در شرکت نامه بنویسند
کافی است که در شراکت نامه هفت نفر بنویسند که ما هر کدامی فلان عدد
سهم قبول کردیم و از برای هر سهم یک قران یا ده قران بدهیم
و بعد هر کدامی شخصاً تجدید ار کمپانی نشد بدهد که اگر کمپانی تمام
قیمت این اسهام را مطالبه بکند و فی الفور ندهیم این قرانها این هزار قرانی
که داده ایم مال و حق کمپانی خواهد بود و کمپانی حق خواهد داشت
که آن اسهامی که ما قبول کرده بودیم ضبط نماید و بفروشد بدیگری اینها
مع ذالک برای ادعای غبن و حق مرافعه داشته باشیم زیادت جناب مستطاب

اجنبی اگرچه این نظام خیلی مناسب و لازم است چه کاری جنابعالی را انتخاب
سایرین هم بسیار شایسته سهمی هم که هر یک از شما باید بدهید خیلی جزئی است
و آن مبلغ جزئی را هم با دوام غیر لازم بدهید در دست شماهاست الآن
منسوخ شد این مبلغ جزئی هم به اصحاب اصلی رد خواهد شد اگر کمپانی سرگرفت
همه این هفت نفر با تمام قیمت را بهرا رسید خواهند داد و اگر از این
هفت نفر کسی تو را از قیمت اسهام خود را به هر ضرر داد قابل اعتنا نیست
اگر بخواهید بدون کمپانی تأسیسات آن امتیازات را مستقیماً به یک
کمپانی خارجه بدهید کار مشکلی خواهد بود موانع خارجی دو دسته پیش از
انتظار شما خواهد بود کار کوتاه فقط این است که اجتماع این کمپانی
تأسیسات را با هفت نفر با همه آن شرایط مذکور بر پا نمائید و بعد آن
امتیازات را برای این کمپانی تأسیسات منتقل بدهید بعد از آنکه کمپانی‌ها
قرار گرفت بعنوان کمپانی ایرانی لازم است بخواهد کرد و حقوق و حرکات آن کمپانی
ز نفع ایران

تأسیسات را تقریر کرده سالم و بی عیب نگاه دارید مثلاً نوشته اید که فلان
و فلان امتیاز حق کمپانی خواهد بود حالا می بینم بعضی از آن امتیازات را
به دیگران داده اند عیب و خطر کار شما در همین فقره خواهد بود یعنی آن امتیازاتی
که به کمپانی شما داده اند باید به هر جهت بفهمید مخصوص و حدود کار شما به دیگر آن
داده اند پس باز باید سعی نمائید که امتیازات کمپانی از قبیل کارخانجات
بلور و کاغذ و کبریت و فلان معادن و فلان کارها حق این کمپانی یعنی جزو
امتیازات این کمپانی باشد و بخصوص باید شرط کنید که بعد از این هر امتیازی
که بخواهند بدهند اول باید به این کمپانی تأسیسات تکلیف نمایند
و در صورت شرایط مساوی این کمپانی تأسیسات حق رجحان خواهد داشت
و این حق رجحان منبع منفعت دائم طبیعی خواهد بود زیرا که کمپانی تأسیسات
عمل داخله است دولت باید کمپانی داخله خود را بکمپانیهای خارجه ترجیح بدهد
حالا سه روز است از لندن به پاریس آمده ام و به مردم هنوز احوالم خوش نشده
بود اما باز چهار روز است ناخوشی که چهل روز مرا ذلیل کرد باز در کار است
عفو کنید ان شاء الله به همه اصلاح خواهند شد علی العجاله همه کاری برای اینکه این کمپانی

تأثیرات راه خطرات بر پا نشود و تجاوزات او را بقدری که

توانید وسیع و مضبوط بفرمایید نتیجه‌بخش خواهد بود

زیاده [illegible] مصدع اوقات نمی‌شود


جمهوری اسلامی ایران
شماره ثبت کتاب
۳۷۳۷۲۱
کتابخانهٔ مجلس شورای اسلامی
کتاب توشیحات ناظم الدوله
مؤلف
مترجم
شمارهٔ قفسه ۲۱۱۱۶ اهدایی آقای علیرضا جابر انصاری

